

همه فرماندهان ها و فرماندهان طالبان که در شمال مصروف جنگ خونین بودند، به اتفاق فیصله کردند که شمال را به حزب بسپارند تا دفاع کنند. احساس می کردند برایشان ممکن و مقدور نیست که با افراد خود از جنوب بتوانند در شمال مقاومت کنند. گفتند آیا با فیصله ما موافقید که شما بیایید، گفتم من صد درصد موافق هستم ولی باید از بالا هم یک موافقت صورت بگیرد، خصوصاً ملا محمد عمر باید با این توافق کند. رهبر طالبان، این فیصله را به شورای کابل به رهبری ملا محمد ربانی انتقال دادند. در این شورا هم به اتفاق فیصله شد که شمال را بسپارند به حزب اسلامی. لذا قبل از اینکه حکم ایران برای خروج ظرف ۷۲ ساعت از ایران به من ابلاغ بشود، تصمیم خودم را داشتم که بیایم به افغانستان. حالا هم راضی هستم که من از ایران بیرون آمدم. اگر این کار نمی شد، شاید مقاومت در افغانستان علیه ناتو با دشواری آغاز می شد. طالبان در موقعیتی نبودند که بتوانند روحاً و عملاً علیه امریکایی ها بجنگند. با یک شکست خلاف انتظار خود روبه رو شده بودند، کابل و قندهار را هم سریعاً بدون مقاومت ترک کردند. هیچ کس تصور نمی کرد که بتواند علیه امریکا بجنگد. تا یک و نیم سال اینها حتی یک اعلامیه هم صادر نکردند. حزب این مقاومت را از نظر فکری و عملی و تنظیمی آغاز کرد. مقاومت را در مجموع حزب اسلامی با امکانات محدود خود آغاز کرد. در تمام این مدت ما حتی یک مرمی هم از کسی دریافت نکردیم.

ذهن مهندسی شما باعث شد بتوانید زود سازماندهی کنید یا این سازماندهی و تشکیلات از

قبل وجود داشت؟

ما قبلاً تجربه یک جنگ طولانی علیه اتحاد شوروی و صدها هزار افراد ورزیده جنگجو و مجاهد را در اختیار داشتیم.

سایر مجاهدین هم مدعی هستند این تجربه را دارند، اما شما سریع توانستید سازماندهی

کنید. می گوید طالبانی که حکومت در اختیارش بود، دشمن اول و مستقیم امریکا و ناتو،

دیگر روحیه نداشتند؛ شما در شرایط ورود تازه به افغانستان بودید و می گوید اولین جریانات

مبارزات مسلحانه را آغاز کردید.

در این [که ما تنها بودیم] هیچ شکی نیست، اگر شما از هر طالب، مجاهد، افغان بیطرف یا حتی از امریکایی ها و فرانسوی ها پرسان کنید، به این اعتراف می کنند که ما تنها بودیم. چند روز قبل من ویدئوی یکی از مسئولان بلند پایه فرانسوی را می شنیدم، او با تمام صراحت اعتراف کرد که هفتاد درصد کشته های نیروهای فرانسوی در کاپیسا بود و در این ولایت در ظاهر ما با طالب می جنگیدیم ولی در واقع با حزب اسلامی درگیر بودیم. طالبان خیلی دیرتر وارد شدند.

امکانات ما هم خیلی محدود بود. باور کنید ما حتی ریموت کنترلی که برای اولین بار در افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و در زمان اتحاد شوروی هم از این استفاده نشده بود، به دست خود ساختیم.

اولین حمله پهبادی هم به شما می شود. درست است؟

بله علیه من بوده. من در کمر بودم. آن هم اشتباه خودم بود. فکر می کردم که طیاره های امریکا هنوز با راکت مجهز نشده و فقط می تواند کارهای استخباراتی شامل عکسبرداری، فیلمبرداری، انتقال موقعیت و... انجام بدهد.